



تاریخ کلام امامیه در ماوراء النهر

تا پایان قرن پنجم هجری و مقایسه آن با مکتب کلامی کوفه و قم

دکتر علیرضا زکی زاده رنانی

سرشناسه زکی زاده رنانی، علیرضا، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور تاریخ کلام امامیه در ماوراءالنهر تا پایان قرن پنجم هجری و مقایسه آن با مکتب کلامی کوفه و قم/ علیرضا زکی زاده رنانی.
مشخصات نشر مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری ۱۹۷ ص.
وضعیت فهرست نویسی فیبا. شابک 8-0291-06-600-978
یادداشت کتابنامه.
موضوع کلام شیعه امامیه.
موضوع محدثان شیعه — ماوراءالنهر.
موضوع متکلمان — ماوراءالنهر — تاریخ.
موضوع متکلمان — ایران — قم — تاریخ.
موضوع متکلمان — عراق — کوفه — تاریخ.
ناشر بنیاد پژوهشهای اسلامی.
ردیف ۲۹۷ / ۴۱۲
رده شده ۱۲۹۱ / ۵ / ۲۱۱ BP
شماره کتابشناسی ملی ۵۱۰۴۶۷۷



تاریخ کلام امامیه در ماوراءالنهر

تا پایان قرن پنجم هجری و مقایسه آن با مکتب کلامی کوفه و قم
دکتر علیرضا زکی زاده رنانی

ویراستار: سید محسن ناجی نصرآبادی

ارزیابان: دکتر سید نعمت الله صفری فروشانی، دکتر علیرضا کهنسال، علی رستمیان

نمونه خوان: سید عباس سلمانزاده

حروفنگار: محمود رسولی

طراح جلد: نیما نقوی

چاپ اول: ۱۳۹۸ / ۲۰۰ نسخه، رقعی / قیمت ۳۰۰۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۳۶۶-۹۱۷۲۵

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۳۲۲۳۰۸۰۳

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۹	 سخن
۱۱	 مقدمه
۱۳	 پیشینه تحقیق
۱۳	 معرفی و بررسی برخی پژوهش‌ها
۱۳	 ۱. آثار پژوهشگران ایرانی
۱۷	 ۲. آثار خاورشناسان
۱۹	 روش تحقیق
۲۰	 مفاهیم
۲۰	 ۱. کلام
۲۱	 ۲. امامیه
۲۲	 ۳. مکتب یا مدرسه
۲۳	 ۴. مدرسه کلامی کوفه
۲۳	 ۵. مدرسه کلامی قم
۲۴	 ۶. ماوراءالنهر
۲۷	 ۶-۱. موقعیت تاریخی - جغرافیایی ماوراءالنهر

- ۲-۶. چگونگی حضور مسلمانان در ماوراءالنهر..... ۳۷
- ۳-۶. تشیع در ماوراءالنهر..... ۳۸
۱. تأثیرگذاری حوزه خراسان..... ۳۸
۲. دور بودن از خلافت عباسی..... ۳۹
۳. تعصب نداشتن سامانیان..... ۴۰
۴. احترام به علویان در زمان سامانیان..... ۴۱
۵. تلاش عالمان شیعی ماوراءالنهر..... ۴۳

فصل اول

- متکلمان ماوراءالنهر تا پایان قرن پنجم هجری..... ۴۴
- الف) متکلمان ماوراءالنهر..... ۴۴
۱. در منطقه سمرقند..... ۴۶
- ۱-۱. حسین بن اشکیب سمرقندی..... ۴۶
- ۲-۱. جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی..... ۵۰
- ۳-۱. محمد بن مسعود عیاشی..... ۵۳
- مشایخ عیاشی..... ۵۴
- ۴-۱. جعفر بن معروف سمرقندی..... ۵۶
- ۵-۱. حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی..... ۵۷
- ۶-۱. جعفر بن محمد بن مسعود عیاشی..... ۵۹
- ۷-۱. محمد بن وارث سمرقندی..... ۶۰
- ۸-۱. جعفر بن محمد بن ابی بکر سمرقندی..... ۶۱
۲. در نَسَف..... ۶۳
- ۱-۲. آدم بن یونس بن ابی مهاجر نسفی..... ۶۳
- ۲-۲. محمد بن عبدالملک بُیان..... ۶۴

۳. در منطقه چاچ	۶۶
۴. در منطقه فرغانه	۶۶
۴-۱. ابونصر منصور بن محمد بن محمد حربی	۶۶
۴-۲. تمیم بن عبدالله بن تمیم قرشی	۶۷
۵. در منطقه کش	۶۸
۵-۱. ابراهیم بن نصیر کشی	۶۹
۵-۲. حمدویه بن نصیر کشی	۷۱
۵-۳. ابو محمد طاهر بن عیسی وزاق	۷۲
۴-۳. محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی	۷۳
۱. تاریخ ولادت و وفات	۷۳
۲. زاده کش	۷۳
۳. شاگردان کشی	۷۵
۴. جریان فکری ابوعرو کشی	۷۶
ب) علل رکود مدرسه کلامی ساورا	۷۶
۱. حمله به دولت بنی سامان	۷۷
۲. شیوع بیماری فراگیر در ماوراءالنهر	۷۹

فصل دوم

جریان شناسی فکری امامیه در ماوراءالنهر (تا پایان قرن پنجم هجری) ۸۰	۸۰
درآمد	۸۰
جریان های فکری در ماوراءالنهر	۸۲
الف) جریان های سرچشمه گرفته از مکتب کوفه	۸۳
۱. جریان متکلمان با محوریت هشام بن حکم و پیروان ایشان ۸۳	۸۳
مهم ترین اندیشه ها	۸۴

- پيروان اين جريان در ماوراءالنهر..... ۸۶
- شاگردان محمد بن عيسى بن عبید..... ۸۶
- جبریل بن احمد فاریابی..... ۸۷
- محمد بن نصیر کشی..... ۸۸
- محمد بن مسعود عیاشی..... ۹۰
- ابوعمر و محمد بن عمر کشی..... ۹۱
- سهل بن بحر فارسی..... ۹۱
- سادم دان ابن تاجر سمرقندی..... ۹۲
- علی بن محمد بن قتیبۀ نیشابوری..... ۹۳
- جعفر بن معروف سمرقندی..... ۹۴
۲. جريان محدثان کوفه..... ۹۵
- ب) جريان محدثان مکتب قم..... ۹۸
۱. علی بن محمد بن فیروزان قمی..... ۹۹
۲. سعد بن عبدالله اشعری و برخی شاگردانش..... ۱۰۱
- محمد بن قولویه قمی..... ۱۰۱
- حسین بن حسن بن بندار قمی..... ۱۰۲
۳. ابوعلی احمد بن علی قمی..... ۱۰۳
۴. ابراهیم بن محمد بن عباس ختلی..... ۱۰۳
۵. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)..... ۱۰۴
- ج) جريان مکتب بغداد..... ۱۰۹
- د) جريان غلو..... ۱۱۱
- جمع بندی..... ۱۱۴

فصل سوم

- آثار کلامی مدرسهٔ ماوراءالنهر ۱۱۶
۱. فهرست آثار مدرسهٔ ماوراءالنهر در علم کلام ۱۱۶
- دانشمندان آثار کلامی ۱۱۶
۲. معرفی آثار موجود مدرسهٔ ماوراءالنهر ۱۱۹
- تفسیر عیاشی ۱۱۹
- ترتیب کتاب ۱۲۱
- مجموعه کتاب ۱۲۲
- علل مزقود شدن نیمهٔ دوم تفسیر عیاشی ۱۲۳
- مدال کلامی تفسیر عیاشی ۱۲۵
- ارزیابی کتاب از دیدگاه کلامی ۱۲۷
- وجود روایات تفسیر ماوراءالنهر ۱۲۸
- اسرائیلیات ۱۲۸
۳. رجال کشی ۱۳۱
- مسائل کلامی رجال کشی ۱۳۲

فصل چهارم

- مقایسهٔ مدرسهٔ کلامی ماوراءالنهر با مکتب کلامی کوفه ۱۳۶
- درآمد ۱۳۶
- مقایسهٔ مدرسهٔ کلامی ماوراءالنهر با مکتب کوفه و قم ۱۳۷
۱. مقایسه با مکتب کلامی کوفه ۱۳۷
- اشتراکات میان دو مکتب ۱۳۸
- تعامل های فکری عالمان ۱۳۸
- اشتراک در برخی جریان های فکری ۱۳۹

۱۴۰.....	تفاوت های دو مکتب	۹۱۱
۱۴۰.....	حضور ائمه علیهم السلام	۹۱۱
۱۴۲.....	تعامل با اهل سنت	۹۱۱
۱۴۴.....	عدم برخورد جریان های خاص با یکدیگر	۹۱۱
۱۴۵.....	عدم وجود جریان فکری گرایش به تقصیر	۹۱۱
۱۴۶.....	۲. تمایسه با مکتب کلامی قم	۹۱۱
۱۴۷.....	مشترکات میان دو مکتب	۹۱۱
۱۴۷.....	تامل: سویه عالمان	۹۱۱
۱۵۳.....	صوم: ننگ جریان متهمان به غلو	۹۱۱
۱۵۴.....	اشتراک: رادای حیات جریان فکری هشام	۹۱۱
۱۵۵.....	اختلاف های مبار دو مکتب	۹۱۱
۱۵۵.....	مسئله سهوالبین	۹۱۱
۱۵۸.....	جریان مقابل هشام بن محمد در مکتب قم	۹۱۱
۱۶۰.....	خاتمه	۹۱۱
۱۶۰.....	نتیجه	۹۱۱
۱۶۴.....	پیشنهادهایی برای پژوهش	۹۱۱
۱۶۵.....	منابع	۹۱۱
۱۶۶.....	کتاب ها	۹۱۱
۱۸۷.....	مقاله ها	۹۱۱
۱۹۱.....	تصاویر	۹۱۱

مقدمه

تاریخ کلام امامیه از حوزه‌هایی است که نیازمند مطالعات جدی و پژوهش‌های روشمند است. در طول تاریخ تشیع برخی مناطق جغرافیایی که محل تجمع تلامذهای شیعی بوده، زمینه تشکیل حوزه‌های علمی قدرتمند و تأثیرگذاری را فراهم آورده است. در این میان، ماوراءالنهر یکی از مراکز مهم شیعی است که شامل مناطق مختلفی همچون: سمرقند، اشروسنه، فرغانه، بخارا، ایلاق، نسا، سغد، چاچ و کش می‌شود. در قرن چهارم و پنجم مباحث حدیثی و کلامی در این منطقه رشد بسیاری داشت و برخی از محدثان و متکلمان دیگر شهرها همچون: علی بن محمد بن فیروزان قمی، ابراهیم بن محمد بن عباس غنیمی، شیخ صدوق، احمد بن علی سلولی قمی (معروف به شقران) و علی بن محمد بن احمد بن موسی قمی خازنی راهی آن دیار شدند.

آنچه درباره این مدرسه کلامی ضروری به نظر می‌رسد، بررسی و شناخت زمینه‌ها و عوامل تشکیل این مدرسه کلامی، شخصیت‌های برجسته آن، گونه‌شناسی آثار کلامی، نوآوری‌های کلامی، رابطه آن با مدارس کلامی دیگر همچون: کوفه، قم و بغداد، مناسبات کلامی امامیه با

دیگرفرقه‌های کلامی فعال از این منطقه، شناخت میراث کلامی امامیه در این مدرسه از طریق مطالعه نسخه‌های خطی، مراجعه به فهرستگان نسخ خطی و نیز بازسازی برخی از این میراث ارزشمند از لابه لای آثار باقی مانده است.

صبغة کلامی غالب در این مدرسه مانند مدرسه کلامی ری به نوعی تحت تأثیر مدرسه کوفه و قم بود. این مدرسه کلامی همچون مدرسه ری، از آنجا که در تعامل بسیار با اهل سنت است، تقریباً رویکردی «تقریبی» داشته است. از مشخصیت‌های برجسته این مدرسه، حسین بن اشکیب سمرقندی، جابر بن محمد بن ایوب سمرقندی معروف به ابن تاجر، جبریل بن احمد قاری، سماع بن بحر فارسی، ابراهیم بن محمد بن عباس ختلی، جعفر بن عمر بن احمد ایلاقی، آدم بن یونس بن ابی مهاجر اسدی، عیاشی، شیخ ابو عبد الله محمد بن عبد الملك تیان و گروهی دیگر از متکلمان اند که تأثیر بسیاری بر این منطقه وسیع داشته‌اند.

از جمله آثار کلامی این منطقه می‌توان به کتاب الرد علی الزیدیه، الرد علی من زعم النبی ﷺ کان علی دین قومه از حسین بن اشکیب، کتاب الأسئلة التبانیه و کتاب فی تکلیف من علم الله أنه یکفر و کتاب فی الجمع و ام از محمد بن عبد الملك تیان، احتجاج المعجزة الأنبياء والأئمة الأوصیاء، دلائر الإمامة، إمامة علی بن الحسین از محمد بن مسعود عیاشی و دیگر آثار متکلمان اشاره کرد.

نکته قابل توجه دیگر در این باره، ورود برخی جریان‌های فکری دیگر مکتب‌های امامیه در این منطقه است. از جمله می‌توان به ورود برخی جریان‌های مکتب کوفه به ویژه جریان عقل‌گرایی هشام بن حکم و

همچنین جریان حدیث محور آن و یا جریان عقل گرایی بغداد که توسط دو شاگرد سید مرتضی در این دیار فعال شد و نیز جریان حدیث محور قم با حضور برخی از مشایخ قمی در این منطقه و نیز محوریت شیخ صدوق در مناطق فرغانه و ایلاق اشاره کرد.

پیشینه تحقیق

غیر از مقاله «جریان شناسی فکری امامیه در خراسان و ماوراءالنهر» که البته به شیئی آن به حوزه ماوراءالنهر مربوط است، تاکنون درباره کلام امامیه در ماوراءالنهر، شیئی جامع نگاشته نشده است، ولی درباره تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر، بلخ و مکتب حدیثی سمرقند و نیز حوزه حدیثی خراسان و ماوراءالنهر، اشاره ای نشده که در ادامه به آن ها می پردازیم.

معرفی و بررسی برخی پژوهش ها

۱. آثار پژوهشگران ایرانی

۱-۱. تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر و بلخ، اثر آقای مهدی غلامعلی، که از تحقیقات جدید درباره ماوراءالنهر است.

گفتنی است این اثر هنگام نگارش بنده منتشر شد و مورد استفاده قرار گرفت. نگارنده در استفاده از آن به منابع دست اول مراجعه و در یادداشت های خود مواردی در نقدهایی بر آن آوردم.

هدف این کتاب، بیان تاریخ حدیث شیعه در بلاد ماوراءالنهر است. مؤلف افزون بر ماوراءالنهر، منطقه بلخ را نیز بررسی کرده و به خوبی از عهده تبیین آن برآمده است. از ویژگی های بارز این تحقیق، تقسیم بندی

جزئی مطالب و سرفصل هاست. وی به خوبی در هر محدوده زمانی معین می‌کند چه تعداد راوی و در کدام بخش از بلاد ماوراءالنهر حضور داشته‌اند، اما بنابر روایات گزارش شده، مؤلف می‌توانست بر اساس ردیابی عنوان راویان بر اساس استاد و شاگردی، پژوهش بیشتری دربارهٔ مکتب راویان و چگونگی انتقال احادیث به حوزه جغرافیایی ماوراءالنهر یا همان خراسان حدیثی بیان کند. همچنین وی هیچ‌گونه بررسی در مورد گونه‌شناسی محدثان ماوراءالنهر در این کتاب ندارد.

اشک دیگر آن است که مؤلف تصریح به سنی بودن بسیاری از راویان دارد، در حالی که عنوان کتاب تاریخ حدیث شیعه است، و از این جهت نیز باید اصلاح شود.

همچنین از مقاله آقای غلامی با عنوان: «نقش آسیای میانه کهن در نشر حدیث شیعه»^۱ که در حقیقت، تحفیده و خلاصه کتاب تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر و بلخ است، نیز در این نوشتار مورد مراجعه بوده است.

۲-۱. فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر (از خطوط سامانیان تا برآمدن مغولان)، اثر آقای علی غفرانی. این پژوهش مربوط به فرهنگ و تمدن اسلامی در منطقه ماوراءالنهر است. از آن رو، به نهادهای آموزشی، علوم رایج، معماری و هنر و مسائل اداری، اجتماعی و اقتصادی آن دیار

۱. این مقاله در فصلنامه علمی-پژوهشی علوم حدیث، سال پانزدهم، شماره ۴ منتشر شده است.

پرداخته است و نکته‌های بسیار مفیدی درباره جغرافیای تاریخی و همچنین ادیان و فرق در منطقه ماوراءالنهر گزارش داده است. در این تحقیق برخی از این مسائل مورد استفاده قرار گرفته است.

همچنین مقاله دیگر آقای غفرانی با عنوان: «سرگذشت علوم قرآنی و حایث در ماوراءالنهر از سقوط سامانیان تا آمدن مغولان (۳۸۹-۶۱۶ ق.)»، که برگرفته از این کتاب است، در همین نوشتار مورد مراجعه بوده است.

۳-۱. رآمانی ب بازشناسی مکتب حدیثی ماوراءالنهر، دفتر اول: مکتب حدیثی سمرقند، این اثر پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم الهام قاسمی^۲ است و در آن به بیان زندگی حدیث در منطقه سمرقند پرداخته است. گرچه برای این تحقیق زحمات بسیاری کشیده شده، ولی به دلیل عدم روشمندی در بخش جداسازی روایات شیعی و اهل سنت و نیز عدم بیان مشایخ اصلی در این حوزه و توجه نداشتن به گونه‌شناسی آثار محدثان، تحقیق ایشان در این نوشتار کمتر مورد استفاده قرار دیت. همچنین روش این پایان‌نامه با رساله حاضر متفاوت است و در آن فقط به بیان گزارش محدثان منطقه سمرقند اکتفا کرده است، در حالی که در کتاب حاضر، به بررسی کلامی و نیز ابعاد مختلفی از منطقه ماوراءالنهر پرداخته است.

۴-۱. مقاله «جریان‌شناسی فکری امامیه در خراسان و ماوراءالنهر» از

۱. این مقاله در مجله مطالعات اسلامی، شماره ۶۵ و ۶۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۳ منتشر گردیده است.

۲. دفاع شده در دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۹ش، به راهنمایی آقای دکتر مهدوی‌راد.

آستانه غیبت صغری تا عصر شیخ صدوق^۱، اثر آقاییان محمد تقی سبحانی و سید اکبر موسوی تنیانی^۲. این مقاله از جهات گوناگونی حائز اهمیت است و نویسندگان به نوعی جریان‌های فکری مکتب کوفه و قم را در خراسان و ماوراءالنهر دنبال کرده‌اند. بخش‌های مهم این مقاله که مربوط به ماوراءالنهر است^۳ با پژوهش بیشتر و شناسایی میزان تأثیرگذاری هر کدام از شخصیت‌های آن سامان در این کتاب دنبال شده است.

در مقام مقایسه میان موضوع کتاب حاضر با مقاله یادشده باید گفت که مقاله باصا^۴ زمانی یک قرن را مورد مطالعه قرار داده، در صورتی که کتاب، موضوعاً، مرتباً از آغاز تا قرن پنجم را بررسی کرده است. از نظر محدوده جغرافیایی نیز مقاله^۵ بر بحث افزون بر ماوراءالنهر به جریان‌های فکری خراسان نیز اشاره دارد؛ حال آنکه این کتاب به طور خاص بر ماوراءالنهر متمرکز است. مقاله مدد^۶ به معرفی دوازده متکلم این خطه پرداخته و در این میان چهار جریان فکری را شناسانده است. این مقاله در شناخت جریان‌های فکری ماوراءالنهر الگوی خوبی برای پژوهش حاضر به دست داده است. ما در این کتاب به معرفی پنج جریانه^۷ و همچنین در مبحث «جریان‌شناسی فکری امامیه در ماوراءالنهر» به جریان فکر^۸ بغداد در قرون چهارم و پنجم پرداخته‌ایم.

۱. این مقاله در مجله تحقیقات کلامی، سال دوم، شماره ۴، سال ۱۳۹۳ منتشر شده است.

۲. گفتنی است که تنها صفحات ۸۵ تا ۸۷ و همچنین صفحات ۹۵ و ۹۷ و ۱۰۲ این مقاله در مورد حوزه ماوراءالنهر بحث شده است.

۱-۵. «بررسی حوزه حدیثی سمرقند و کش»، مقاله آقای سید مصطفی مطهری و دکتر محمود تقی‌زاده دآوری.^۱ همان‌گونه که عنوان مقاله گویاست، موضوع مقاله درباره دو حوزه از ماوراءالنهر است که البته بیشتر به حوزه سمرقند پرداخته و به گروه اندکی از محدثان آن دیار نیز بسنده کرد است. از ویژگی‌های این مقاله در عین اختصار، بررسی حوزه شیعیان و مؤلف‌های این دو مدرسه است.

۱-۶. «غزریان و فلسفه و کلام در خراسان و ماوراءالنهر»، مقاله آقای محبوب مدیان.^۲ اگرچه عنوان مقاله در باب فلسفه و کلام بوده و در نگاه نخست مرتبط با این رفتار است، ولی در این مقاله به نقش غزویان در سرکوبی معتزله و تخریب تفه‌های کرامیه و اشعریه نیز اشاره دارد.

۲. آثار خاورشناسان

بیشتر آثار خاورشناسان که درباره و اراءالنهر نگاشته شده به مباحث تاریخی، اعم از جغرافیایی یا تاریخ سیاسی و گاه اقتصادی و نیز ادبی آن دیار توجه دارد و آنان کمتر به مباحث فکری و فرهنگی به خصوص علم کلام در ماوراءالنهر پرداخته‌اند. در میان کتاب‌های خاورشناسان برای مثال می‌توان از کتاب‌هایی همچون امپراتوری صحرانوردان اثر ژان گرسنه، تاریخ بخارا از ارمینیوس وامبری، ایران در قرون وسطی از دیوید مورگان، نسب‌نامه خلفا و شهریاران زامباور، سلسله‌های اسلامی باسورث، تاریخ ایران

۱. این مقاله در مجله شیعه‌شناسی، سال نهم، شماره ۳۵، ۱۳۹۰ منتشر شده است.

۲. این مقاله در مجله برهان و عرفان، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۵ منتشر شده است.

کمبریج (جلدهای چهارم و پنجم) و ترکستان نامه، تاریخ ترک‌های آسیای میانه، آبیاری در ترکستان و گزیده مقالات تحقیقی بارتولد یاد کرد. آثار بارتولد از نظر تحقیقات و پژوهش از جایگاه ویژه‌ای در این زمینه برخوردار است که به برخی از این آثار در زیر اشاره می‌کنیم:^۱

۱-۲. ترکستان نامه، اثر واسیلی ولادیمیرویچ بارتولد (۱۸۶۹-۱۹۳۰ م) در ۳ جلد، اس و مورخ بزرگ روسی است که درباره جغرافیا و تاریخ سیاسی بهش‌هایه از خراسان و ماوراءالنهر و آسیای مرکزی - که روس‌ها ترکستان می‌نامند - نوشته است. بی‌تردید این اثر بارتولد مرجع همه پژوهشگران پس از وی بوده است.^۲

فصل اول این کتاب در بیان جغرافیای ماوراءالنهر، بسیار جامع و عالمانه تدوین شده است. فصل دوم و سوم این کتاب درباره تاریخ سیاسی منطقه از ابتدای فتح اسلامی تا قبل از حمله مغول به آن سرزمین؛ یعنی سال ۶۱۷ ق است.^۳ و از سلطه قراخانیان، سلجوقیان، قراختایان و خوارزمشاهیان بر آن ناحیه با دقت و سلیقه سخن گفته است.^۴

۲-۲. تاریخ ترک‌های آسیانه میانه، اثر دیگر بارتولد، به صورت مجموعه مقالات درباره مسائل مختلف مربوط به اقوام ترک و مناطق نژاد و سکونت آنان و گاهی مسائل اجتماعی مربوط به قبایل ترک تدوین شده است.

۱. رک: غفرانی، فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر، ص ۴۴-۴۵.

۲. غفرانی، همان، ص ۴۵.

۳. قزوینی، آثار البلاد، ص ۶۱۸؛ آیتی، ترجمه تاریخ ابن خلدون، ج ۴، ص ۱۸۷؛ همو،

ترجمه مختصر تاریخ الدول، ص ۳۲۳. ۴. غفرانی، همان جا.

۳-۲. تاریخ بخارا، اثر ارمینیوس وامبری از مستشرقان قرن نوزدهم میلادی است. وی در شناخت تاریخ شرق اسلامی، به ویژه ترک‌ها تخصص داشت. در این کتاب، تاریخ سیاسی ماوراءالنهر از پیش از اسلام بررسی شده و از حاکمان آن دیار نیز به تفصیل سخن گفته است.

روان تحقیق

سیوه پژوهش در اثر حاضر توصیفی-تحلیلی و برپایه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی است از این رو، نویسنده بر این امر تأکید دارد تا در مرصع تاریخ کلام امامیه به نقل مطالب و مأخذ توجه کند و هرگز به اظهار نظر و بررسی شخصی نپردازد. روش‌های مختلف توصیفی که نویسنده در این کتاب به کار گرفته، هر کدام شاخص‌هایی متفاوت دارند. نخستین شاخص، شناسایی مکان‌ها و محدثان متکلم مناطق ماوراءالنهر است که برای دستیابی به این شاخص مکان‌های جغرافیایی ماوراءالنهر در ضرورت اولویت شناسایی قرار گرفته است.

در مرحله نخست اسامی تمامی عالمان که در مناطق مختلف ماوراءالنهر نامی از آنان در کتب رجال، یا منابع تراجم در تاریخ محلی - مانند: تاریخ بخارا یا القند فی ذکر علماء سمرقند - یا متون روایات آمده، گردآوری و پس از احراز شیعی و متکلم بودن آنان مورد ارزیابی قرار گرفتند. همچنین بررسی شد که آیا کتابی در زمینه علم کلام از آن‌ها نقل شده است؟ در این صورت این عالمان در فهرست جریان متکلمان ماوراءالنهر به تفکیک مناطق قرار گرفتند. بعد از آن دیگر عالمان شیعی مورد بررسی قرار گرفته و روایات ایشان از طریق اسانید مورد بازبینی قرار گرفت. مشایخ و شاگردان ایشان در مناطق مختلف شناسایی شدند و بر مبنای روایاتی

اعتقادی که از ایشان گزارش شده بود، در شمار جریان محدثان متکلم ماوراءالنهر به تفکیک مناطق قرار گرفتند.

نگارنده با اینکه از کتاب‌هایی که دربارهٔ ماوراءالنهر و عالمان آن دیار نگاشته شده بود، استفاده کردم، و تمام توان خود را با استفاده از نرم‌افزارهای گوناگون به کار گرفتم تا نام متکلمان این منطقه را به طور کامل استخراج کنم، اما ادعا نمی‌کنم که تمام نام‌ها گردآوری شده باشند؛ چرا که منطقهٔ ماوراءالنهر منطقهٔ وسیعی است و بسیاری از شهرها و روستاهای آن ناشناخته و در منابع تاریخی و رجالی از آنجا و رجال آن یادی نشده است.

مفاهیم

در عنوان این تحقیق واژگان متعددی کاررفته که لازم است دربارهٔ آن‌ها توضیحاتی مطرح شود:

۱. کلام

علم کلام، اصطلاحی است که دست‌کم از قرن دوم هجری در میان مسلمانان شهرت یافت^۱ و مراد از آن دانشی است که به تعیین راثبات عقاید اسلامی و دفاع از آن‌ها می‌پردازد.^۲ این علم به نام‌های دیگری چون:

۱. برخی همچون عبدالحلیم با استناد به روایات، زمان پیدایش اصطلاح «کلام» را دوران حیات پیامبر اسلام می‌دانند (رک: یوسفیان، کلام جدید، پیش‌گفتار).
۲. این تعریف برگرفته از تعاریف گوناگون در این حیطه می‌باشد. (رک: فارابی، احصاء

«فقه اکبر»^۱، «علم توحید و صفات»، «علم نظرو استدلال» و «علم اصول دین» نیز خوانده شده است.^۲

۲. امامیه

مراد از اصطلاح «امامیه» در این نوشتار فقط شیعه اثنی عشری است. امامیه به وصف شیعیانی است که به وجوب امامت و وجود امام در هر زمانی اعتقاد دارند و نصّ جلی و عصمت و کمال را برای هر امامی لازم دانسته و امامت را پس از امام علی و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) منحصر در فرزندان امام حسین (علیه السلام) تا حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) می دانند.

تعبیر شیخ مفید در أوّال المقالات چنین است:

و وصف الفريق من الشيعة بالإمامية فهو علم علي من دان
بوجوب الإمامة ووجودها في كل زمان وأوجب النصّ الجليّ و

العلوم، ص ۷۱؛ ابن خلدون، مقدمة ابن خلدون، ج ۲، ص ۹۱-۹۲؛ ازانی، شرح المقاصد، ج ۱، ص ۲۴؛ تهبانوی، موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، ج ۲، ص ۱۳۷؛ ربانی گلیپایگانی، درآمدی بر علم کلام، ص ۲۱.

۱. به دلیل آنکه مبانی عقیدتی و «اصول دین» (و در رأس آنها مسئله توحید و صفات خداوند) را بررسی می کند به این نام مطرح شده است. در برابر، فقه اصغر که بیان تکالیف عملی و «فروع دین» را بر عهده دارد (یوسفیان، همان).

۲. رک: طحّاوی، شرح العقيدة الطحاوية، ص ۶۹؛ مقدّس اردبیلی، الحاشية على الهيات الشرح الجديد للتجريد، ص ۵؛ لاهیجی، شوارق الالهام، ج ۱، ص ۴؛ سبحانی، رسائل و مقالات، ج ۵، ص ۱۷؛ حلبی، تاریخ علم کلام در ایران و جهان، ص ۲۸.

العصمة والكمال لكل إمام ثم حصر الإمامة في ولد الحسين بن علي عليه السلام وساقها إلى الرضا علي بن موسى عليه السلام.^۱

سید مرتضی نیز درباره این واژه گوید:

الذاهبون إلى النقص الجلي على إمامة اثني عشر إماماً من أهل البيت صلوات الله عليهم أجمعين.^۲

۳ مکتب یا مدرسه

مکتب یا مدرسه اصطلاحی است که به مناطق خاص جغرافیایی که دارای ویژگی‌هایی چون محل اجتماع عالمان و دانشمندان در یک رشته علمی خاص، که به مذهب معینی پایبند بوده و در آرای مشترکی با هم اتفاق و اتحاد داشته‌اند اطلاق می‌شود.^۴ گفتنی است که در عنوان

۱. مفید، أوائل المقالات، ص ۳۸.

۲. سید مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۱۱۱. و در تلخیص الشافی، ج ۱، ص ۶۶ گوید: «هم القائلون بإمامة علي بن أبي طالب عليه السلام واثقة من ولده مرتبين إلى الحجة القائم عليه السلام».

۳. واژه School نیز همین معنا را تداعی می‌کند. ترجمه آن در آکسفورد و دیگر فرهنگ‌های لغات انگلیسی چنین آمده است: گروهی از مردمان که در یک ملک مشترک‌اند، مثلاً نویسندگان یا هنرمندان یا فیلسوفان و در عقاید و یا روش‌ها و موضوعات خاص با هم اشتراک دارند.

department concerned with one subject: the school of law. and group of people with the same methods, style. (pearson, (1999), "Longman learner's dictionary")

۴. جبرئیلی، «مدارس کلامی شیعه امامی»، کلام اسلامی، سال بیستم، ۱۳۹۰، ص ۳۹.

مدرسه دست‌کم دو عنصر منطقه جغرافیایی و شرایط فکری حاکم و غالب در آنجا و نیز اشخاص و شخصیت‌های تأثیرگذار و گاه تأثیرپذیر نقش مهم و اساسی دارند.^۱

۴. مدرسه کلامی کوفه

مدرسه‌ای که درباره زمانی دوره امامت امام سجّاد علیه السلام تا پایان دوره امامت امام کاظم علیه السلام فعال بوده و نقطه اوج آن در دوران صادقین علیهم السلام می‌باشد. با وجود آنکه جریان‌های مختلف فکری در این مدرسه وجود داشته، ولی شاخص این مدرسه، فهم عقلانی از معارف اهل بیت علیهم السلام است که متکلمان آن بر اساس معارف، به نظریه‌پردازی و استدلال عقلانی روی آوردند. این مدرسه پیش از شکل‌گیری مدرسه بغداد روبه افول نهاد و میراث جریان‌های فکری آن به قم، بغداد و ماوراءالنهر منتقل می‌شود.^۲

۵. مدرسه کلامی قم

این مدرسه در امتداد جریان حدیثی مکتب کوفه شکل گرفت و در بازه زمانی اوایل قرن سوم تا پایان قرن چهارم نیز فعال بود. شاخص اصلی آن، التزام و تکیه بر نص در جهت تبیین معارف اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

۱. سبحانی، معجم طبقات المتکلمین، ج ۱، ص ۱۷۶.

۲. جهت مطالعه بیشتر رک: اقوام کرباسی، «مدرسه کلامی کوفه»، نقد و نظر، ش ۶۵، بهار ۱۳۹۱، ص ۳۸-۶۵.

سخت‌گیری‌های حدیثی، اعتقادنامه نویسی، مقابله با تشبیه و جبر و رؤیت از دیگرویزگی‌های ذکر شده برای این مدرسه است. این مدرسه بعد از شیخ صدوق روبه افول گرایید.^۱

۶. ماوراءالنهر

ماوراءالنهر یا فرارود^۲، در واقع بخش شمال شرقی فلات ایران^۳ و شامل بر تمام سرزمین‌های واقع در آن سوی رود جیحون (آمودریا یا آمویه)^۴ رخا، مان بوده است.^۵ یونانیان قدیم هم، رود جیحون را «اُکس»

۱. برای مطالعه بیشتر: عزیزی، *مدرسه کلامی قم؛ طالقانی، «مدرسه کلامی قم»*، نقد و نظر، ش ۶۵، ۱۳۹۱، ص ۶۶-۹۰؛ بریل، *سیرتطور کلام شیعه*، ص ۶۶-۷۲.
 ۲. باید دانست که ماوراءالنهر واژه سری است که بعد از سال ۵۰ قمری که توسط «حکم بن عمر غفاری» مسلمانان پا در آن منطقه گذاشتند، آنجا را با توجه به واژه فرارود به این کلمه ماوراءالنهر خواندند. (ک:، ذری، *فتوح البلدان*، ص ۵۷۰؛ فروزانی، «جغرافیای تاریخی فرارود»، ص ۲۰۱) فریسی نیز، این باره گوید: اگر پهلوانی ندانی زبان / ورارود را ماوراءالنهر خوان (نک: فریسی، *شاهنامه فردوسی*، ج ۲، ص ۱۵۳).

۳. مقدسی، *أحسن التتاسیم فی معرفة الأقالیم*، ص ۳۸۰؛ غفرانی، *فرهنگ تمدن اسلامی در ماوراءالنهر (از سقوط سامانیان تا برآمدن مغولان)*، ص ۵۳.

۴. این رود بزرگ که طول آن بیش از ۲۵۴۰ کیلومتر است، از ارتفاعات کوه‌های هندوکش و فلات پامیر سرچشمه گرفته و پس از گذشت از جنوب تاجیکستان و تشکیل مرز جنوبی آن با افغانستان، وارد خاک ازبکستان و سپس ترکمنستان می‌شود و سرانجام در خاک ازبکستان، به دریاچه آرال می‌ریزد. گفتنی است که در دهه ۱۹۹۰ میلادی، دریاچه آرال، تقریباً خشک گردید و در حال حاضر، تنها بخش کوچکی از آن به

OX یا «اُگسوس» oxos نامیده، و به سرزمین‌های واقع در آن سوی رود جیحون، «ترانس اُگسیان» یا «ترانس اُگسانی» Trans Oxania می‌گفتند.^۱ این سرزمین در گذشته بخشی از خراسان بزرگ بوده و چون نهر جیحون آن آن را از خراسان جدا می‌کرد، به آن ماوراءالنهر می‌گفتند.^۲

ماوراءالنهر از غرب به ولایت خوارزم و خراسان، از شرق به مناطق کُستانی بامیان، پامیر، راش و شمال هندوستان، از جنوب به نهر

صورت باتلاق باقی‌مانده است. (غلامعلی، تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر و بلخ، درآمدی بر مکتب ۱۰، ص ۴۳).

ایرانیان دوره ساسانی، رود جیحون را وهرود (وهرود) به معنای رود خوب (به رود) می‌نامیدند. علاوه بر سبثوس معنی زمین که بزرگی‌های بهرام چوبین را در آن سوی وهرود شرح می‌دهد، حمزه اصفهانی می‌گوید: «اصل اسم جیحون بالفارسیه وهرود...». (رک: مارکوارت، وهرود و ارننگ، ج ۱، خوارزمی در جغرافیای اساطیری و تاریخی ایران شرقی، ص ۴۲؛ فروزانی، «جغرافیا تاریخی فرارود»، ص ۱۸۲).

ظاهراً نام‌های «جیحون» و «سیحون» تحریفی از «سن» یا «فیشون» می‌باشد که در کتاب پیدایش، باب دوم، آیه‌های ۱۱ و ۱۳ ذکر شده است. «سری» سی، سایکس، تاریخ ایران، ص ۲۸، به نقل از: فروزانی، «جغرافیای تاریخی فرارود»، ص ۲۰۲.

۵. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۵.

۱. بارتولد، آبیاری در ترکستان، ص ۹۸؛ غفرانی، فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر از سقوط سامانیان تا برآمدن مغولان، ص ۵۳.

۲. گفتنی است که نام رود جیحون بارها در شاهنامه فردوسی آمده است. (نک: شهیدی مازندرانی، فرهنگ شاهنامه، ص ۶۶۴).

۳. غفرانی، فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر از سقوط سامانیان تا برآمدن مغولان، ص ۵۳.

جیحون و خراسان و از شمال به سرزمین ترکان در آن سوی جیحون محدود می‌شد و ویژگی‌های خاص جغرافیایی داشت.^۱

ماوراءالنهر بعد از تسلط دولت تزاری روس با عنوان ترکستان روس مطرح شد^۲، و کمی بعد از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۴ میلادی با نام آسیای میانه مشهور گشت.^۳ آسیای مرکزی شامل: جمهوری‌های تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان و بخشی از جنوب قزاقستان می‌شد.

ناگفته نماند که اطلاق نام ترکستان به این سرزمین به حوادث سال‌های پایانی عصر ساسانیان باز می‌گردد. هم‌زمان با حمله اعراب

۱. ابن حوقل، صورة الأرض، ج ۲، ص ۱۰۰. ساسانی، همان، ص ۵۴.

۲. در مورد نحوه سلطه دولت تزاری روس بر ماوراءالنهر رک: بارتولد، خاورشناسی در روسیه و اروپا، ص ۲۹۴-۳۲۴؛ بارتولد، ترکستان، ج ۱، ص ۱۶۷.

۳. بنا به نوشته پرویز ورجاوند واژه‌ای به نام آسیای میانه به عنوان یک محدوده جغرافیایی یا واحد سیاسی در دائرة المعارف روسیه تزاری که جلد اول آن در سال ۱۸۹۰ و جلد آخر آن در سال ۱۹۰۴ چاپ شد وجود ندارد. اما در دومین دائرة المعارف بزرگ شوروی که در سال ۱۹۵۷ به چاپ رسیده است با عنوان «اسیای میانه» برمی‌خوریم که با واژه روسی «سردنیایا آسیا» sredniaia Azia مطرح گردیده است. در زیر این واژه می‌خوانیم: «... تا انقلاب، اصطلاح ترکستان رایج بود». در سال ۱۹۲۴ م اصطلاح «سردنیایا آسیا» sredniaia Azia برای گذاشتن تفاوت میان سردنیایا آسیا «آسیای میانه» و سنترالنایا آسیا Tsentrainaia Azia «آسیای مرکزی» به کار گرفته شد. (رک: آ، بلنیتسکی، خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)، ص ۱۱-۱۳؛ فروزانی، «جغرافیای تاریخی فرارود»، ص ۱۸۵).

مسلمان به خراسان، بخش‌هایی از ماوراءالنهر در دست ترکان بود که قتیبه بن مسلم باهلی^۱ در حدود سال ۹۰ هجری حکومت آنان را سرنگون کرد. دوباره در قرن چهارم هجری و در پی ناتوانی سامانیان و نیز مسلمان شدن ترکانی که در مجاورت سامانیان به سر می‌بردند، پای ترکان به صورت جدی به ماوراءالنهر باز شد و قلمرو سامانیان به تصرف ترکان قراخانی درآمد.

سپاه آمدن ترک‌ها به این سرزمین قرن‌ها ادامه یافت و حکومت آن دیار به دست ایشان افتاد. و این خود سبب، اقلیت شدن ایرانیانی (فارس‌هایی) به ده از گذشته در این سرزمین سکونت داشتند.

پس از تسام^۲ دلیل تراخانیان، بخش زیادی از این منطقه به مسکن اقوام مسلمان ترک‌زبان تبدیل شد و از این رو، شاید اطلاق نام ترکستان بر آن بی‌تناسب نباشد.^۳

۱-۶- موقعیت تاریخی - جغرافیایی ماوراءالنهر

برای شناخت متکلمان ماوراءالنهر، باید ابتدا ديار ماوراءالنهر و مناطق

۱. وی از حکام بنی‌امیه بود. او بسیاری از ایرانی‌ها و آثار و کتب ایشان را به اسم ملت‌پرستی و ایران‌دوستی و یا به نام طرفداری از مخالفان بنی‌امیه از سر ساخت (آستینانی، خاندان نوبختی، ص ۶۳). به هر حال سربازان قتیبه در لشکرکشی به فرغانه در سال ۹۶ هجری او را کشتند (مصاحب، دائرة المعارف فارسی؛ و نیز رک: حاجی خلیفه، ترجمه تقویم التواریخ، ص ۲۲۵).

۲. غفرانی، فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر، ص ۵۵. و نیز رک: بارتولد، تاریخ ترک‌های آسیای میانه، ص ۱۶۳؛ بارتولد، ترکستان‌نامه، ج ۱، ص ۱۶۷.

مختلف این سرزمین شناسایی شود. بلاذری در معجم البلدان^۱ و دکتر قحطان عبدالستار بر مبنای حدیثی بر این باورند: ماوراءالنهر دارای هفت اقلیم (استان) به شرح ذیل است:

۱. اُسْرُوشَنَه: نام های دیگری همچون «سروشنه»^۲، «اسروشنه»^۳، «اسروش»^۴ و «سُروشنه» نیز برای این منطقه آورده اند.^۵ نام «اسروشنه» مشهورترین عنوانی است که مردم آن دیار به این منطقه گفته اند.^۶ این سرزمین حد شمالی مرقد و ولایات ساحل چپ جیحون است.^۷ بیشتر زمین های آن کمرستان است و نیز رود بزرگی از آن نمی گذرد.^۸ این ولایت امروزه به نام «اورات» (Orat) در کشور ازبکستان قرار دارد.^۹

۲. بخارا: مشهورترین اقلیم در غرب سُغد^{۱۰} به فاصله ۳۷ فرسخ از

۱. بلاذری، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲. ابن الفقیه، البلدان، ص ۶۲۷؛ موالی، تاریخ سیستان، ص ۱۱۱.

۳. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۹۷.

۴. مقدسی، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ص ۲۶۱.

۵. غفرانی، همان، ص ۹۸.

۶. یاقوت حموی، همان.

۷. غفرانی، همان.

۸. یاقوت حموی، همان.

۹. چکنگی، فرهنگ نامه تطبیقی نام های قدیم و جدید مکان های جغرافیایی ایران، ص ۲۶.

۱۰. اسحاق بن الحسین، آکام المرجان، ص ۸۳؛ قزوینی، آثار البلاد، ص ۵۸۶؛ منزوی،

سمرقند^۱ و پایتخت حکومت سامانیان بوده است.^۲ نخستین لشکرکشی برای فتح این سرزمین از سوی مسلمانان، اواخر سال ۵۳ هجری در دوران خلافت معاویه به دست عبیدالله زیاد حاکم خراسان اتفاق افتاد و مسلمانان غنایم بسیاری در این جنگ به دست آوردند.^۳

در سال ۵۶ ق که عبیدالله زیاد از حاکمیت خراسان عزل شد، سعید بن عثمان بن عفان امور حاکمیت را در دست گرفت.^۴ او بردگان بسیاری، حدود سه هزار نفر از بخارا و سمرقند را با خود به مدینه آورد. همین بردگان سعید را در مدینه به قتل رسانیدند. هجوم دیگر مربوط به دوران یزید بن معاویه به دست مسلم بن زیاد بن ابیه^۵ است. سپاهیان اسلام به علت شورش‌های عمومی مردم بخارا، ناچار این شهر را ترک کردند.

سرانجام در سال ۹۳ ق در دوران ولید بن عبدالملک، قتیبة بن مسلم باهلی که از سوی حجاج بن یوسف ثقفی فرمانده خراسان بود، با سپاه

ترجمه معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۵۲؛ بکری، المسالك والملك، ج ۱، ص ۲۶۱.

۱. مقدسی، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ص ۲۶۶؛ فزوی، همان؛ قدامة بن جعفر، الخراج وصناعة الكتابة، ص ۹۹.

۲. یاقوت حموی، همان، ج ۱، ص ۳۵۳؛ «وكانت قاعدة ملك السامانية».

۳. رک: نرشخی، تاریخ بخارا، ص ۵۲.

۴. نرشخی، همان، ص ۵۳.

۵. در کتب تاریخ و اعلام، «سلم بن زیاد بن ابیه» ثبت شده است. (نک: مقدسی،

البدء والتاریخ، ج ۶، ص ۱۵؛ ابن اثیر، الكامل، ج ۴، ص ۳۶۳؛ ذهبی، تاریخ الإسلام،

ج ۵، ص ۴۴؛ گردیزی، زین الأخبار، ص ۲۴۰).

گسترده‌ای وارد بخارا شد و برای همیشه آن شهر را فتح نمود.^۱

شاید یکی از انگیزه‌های مسلمانان برای فتح این منطقه، وجود روایاتی بود که از سوی دستگاه بنی‌امیه برای تهییج مردم به پیکار در این منطقه، جعل می‌گردید. رسیدن به رحمت و غفران الهی و درود ملائکه الهی^۲ در صورت فتح این منطقه از جمله مفاد این روایات می‌باشد.^۳

۳. صُغْد (سُغْد): بزرگ‌ترین ایالت سرسبز ماوراءالنهر میان دو رود

۱. بلعمی، تاریخنامه، ج ۴، ص ۸۳۸؛ دینوری، اخبار الطوال (ترجمه)، ص ۳۶۸؛

تنوی، تاریخ الفی، ج ۱، ص ۱۱۱؛ سایکس، تاریخ ایران، ج ۱، ص ۷۶۶.

۲. نمونه‌ای از آن روایت حدیث بن ماز از پیامبر ﷺ است که حضرت فرمود: «استفتح مدینه بخراسان خلف نه‌ریقان نه جیحون ته سی بخاری، محفوفة بالرحمة، ملفوفة بالملائكة، منصور أهلها، النائم فیها سی الفراش. كالشاهر سیغه فی سبیل الله، و خلفها مدینه یقال لها سمرقند، فیها عین من یمن الجنة و قبر من قبور الأنبیاء و روضة من ریاض الجنة تحشر موتاها یوم القیامة مع الشهداء، من خلفها تربة یقال لها قطوان، یبعث منها سبعون ألف شهید یشفع کل شهید فی سبعین ألفاً من أهل بینه و عترته». در گزارش دیگری از این منطقه در کتب جغرافیا چنین آمده است: «فی الحدیث أن جبرئیل صلوات الله علیه و سلامه ذکر مدینه یقال لها فاخرة، می بالفارسیة بخاری. فقال له رسول الله ﷺ لم سمیت فاخرة؟ قال: لأنها تفخر علی المدائن یوم القیامة بكثرة الشهداء. ثم قال: اللهم بارک فی فاخرة و طهر قلوبهم بالقوی، واجعلهم رُحماء علی أمتی. فیقال لیس أحد أرحم علی الغرباء منهم».

۳. ر.ک: یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۵۴؛ نرشخی، تاریخ بخارا، ص ۱۷۱ و ۲۰۲؛ قزوینی، آثار البلاد و أخبار العباد، ص ۵۸۷؛ جوینی، تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۱، ص ۷۴؛ معین الفقراء، تاریخ ملازاده، ص ۳؛ بارتولد، ترکستان، ص ۱۰۰.

جیحون و سیحون که نام آن در اوستا نیز آمده است.^۱ اصطخری (م پس از ۳۲۴ ق)، سُغد را یکی از بهشت‌های دنیا و بهترین و سرسبزترین آن‌ها می‌شمرد و در وصف آن می‌آورد که سُغد، هشت روز راه است؛ همه تماشاگاه و باغ و بوستان و دیه‌ها و کشاورزی و مزارع و آب‌های روان و حرن‌ها و چشمه‌های روان از چپ و راست با بهترین میوه‌ها و سرسبزی بی‌پایان.^۲ از آنجا که سُغد حدّ فاصل میان بخارا و سمرقند بوده است،^۳ یاقوت حموی (م ۶۲۶ ق) از این ایالت به «صُغْدین» تعبیر می‌کند و قائل به «صُغْد سَمْنَد»^۴ «صُغْد بخارا» است.^۵ ابن حوقل و مقدسی، سُغد را فقط بر ایالت «سمرقند» اطلاق نموده و بخارا را اقلیمی جداگانه معرفی می‌کنند.^۶ لسترنج نیز رایج‌تره نظر مقدسی موافق بوده و علاوه بر بخارا، کش و نَسَف را در ذیل شهرهای ناحیه سُغد معرفی کرده است؛ بنابراین تقسیم شهرهای ایالت سُغد در کشور ازبکستان امروزی قرار دارد.

۱. کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۷۴؛ خرنس، فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر، ص ۷۱.

۲. اصطخری، المسالک و الممالک، ص ۲۳۰ و ۲۳۱؛ غفرانی، همان، ص ۷۱.

۳. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۴۰۹؛ صفی‌الدین حنبلی، مامنا، ص ۱۰۰؛ طلاع علی أسماء الأمکنه و البقاع، ج ۲، ص ۸۴۲.

۴. همان‌جا.

۵. ابن حوقل، صورة الأرض، ج ۲، ص ۴۷۳، ۴۹۲؛ مقدسی، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ص ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۸۸. و نیز بنگرید به: اصطخری، المسالک و الممالک، ص ۳۱۶.

۶. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۴۹۰-۴۹۱.